



سینمای ایران از چشم

دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر که ماه گذشته در تهران برگزار شد، میزبان گروهی از دست‌اندرکاران سینما از گوشه و کنار جهان بود. یکی از این مهمانان آقای بل اسکلاوس رئیس اتحادیه کارگردانان سینما و تلویزیون یونان بود که جهت آشنایی بیشتر با ایشان و نظراتشان در مورد سینمای ایران، و همچنین کسب آگاهی از چندوچون وضعیت هنر سینما در یونان، گفت‌وگویی با ایشان انجام داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

● آقای اسکلاوس، لطفاً کمی درباره کارتان بگویید؟

○ من رئیس اتحادیه کارگردانان سینما، تلویزیون و تئاتر یونان هستم. این اتحادیه ۱۷ سال سابقه کار و ۴۰۰ عضو دارد. کار من بیشتر در زمینه فیلمهای تلویزیونی است، فیلمهای مستند زیادی هم ساخته‌ام و از سال ۱۹۶۰ تاکنون کارم را روی این گروه از فیلمها و تولیدات تلویزیونی متمرکز کرده‌ام.

● چندمین بار است که در این جشنواره شرکت می‌کنید؟

○ من برای نخستین بار است که به این جشنواره می‌آیم.

● ممکن است سؤال کنم انگیزه آمدنتان به این جشنواره چه بود؟ در واقع می‌خواهم بدانم صرفاً به دلیل دعوتی که از شما به عمل آمده بود به ایران آمدید یا سینمای ما را جالب‌توجه یافتید؟

○ تابستان سال گذشته برای اولین بار

در نتیجه توانستیم فیلمهای بلند متعددی را هم از سینمای کشور شما ببینیم. همان موقع در صیافتی که به افتخار سینمای ایران ترتیب یافته بود، از من به عنوان مدیر اتحادیه کارگردانان یونان دعوت شد تا در جشنواره فیلم فجر شرکت کنم.

● کشور شما با چند فیلم در این جشنواره حضور یافت؟

○ ۳ فیلم از یونان در بخش بین‌المللی جشنواره به نمایش درآمد: «چشم‌انداز در مه» محصول سال ۱۹۸۸ به کارگردانی نتوانجلو پولوس، «راست افراطی» محصول سال ۱۹۸۹ به کارگردانی نیکوس آنتوناکوس، «سفر به سیترا» محصول سال ۱۹۸۴ به کارگردانی نتوانجلو پولوس.

ضروری می‌دانم این نکته را هم یادآور شوم که اتحادیه کارگردانان ما، با اتحادیه کارگردانهای ایران در زمینه تبادل فیلم یک موافقتنامه‌ی مقدماتی امضا کرده است.

● فیلمهای ایرانی به نمایش درآمده در جشنواره فجر را در مقایسه با سایر فستیوالهای جهانی چه به لحاظ محتوا و موضوع فیلمنامه و چه از جنبه‌های هنری و فنی چگونه یافتید؟

○ باید بگویم که اکثر فیلمهای ایرانی معنی دارند و این در فیلمسازی معاصر جهان مسأله مهمی است، چون امروزه ساختن فیلمهای تجاری که از روی کارهای فیلمسازان آمریکا مدل‌برداری شده کاملاً تداول یافته تا سینمای کشورهای مختلف را سریاً نگهدارد. اما

فرصتی دست داد تا چشم‌اندازی از فیلمهای ایران را در یونان ببینم. این فرصت از سوی وزارت فرهنگ یونان و مرکز فرهنگ اسلامی در آتن فراهم شد. ما در اتحادیه خود یک باشگاه خصوصی نمایش فیلم هم داریم که آثار سینمایی را به طور اختصاصی برای کارگردانان، فیلمسازان، هنرپیشه‌ها و دیگر افرادی که به گونه‌ای با هنر سینما ارتباط دارند نمایش می‌دهد. سال گذشته در این باشگاه برای اولین بار فیلمهای ایران نمایش داده شد. پس از آن، مادر جشنواره یونانی فیلمهای کوتاه که نوامبر گذشته در «تراوا»ی یونان برگزار شد، فرصت یافتیم از فیلمسازان ایرانی دعوت کنیم و





«چشم‌انداز در مه»
کارگردان: شوآنجلو پولوس
محصول سال ۱۹۸۸ یونان،
ترانه، ایتالیا

متأسفانه در سالهای اخیر صنعت فیلمسازی صرفاً در خدمت اهداف تجساری و سرمایه‌گذاران خصوصی بوده است و تنها فیلمهای معدودی بیرون از این شرایط تهیه شده‌اند. از سوی دیگر با ترویج روزافزون فیلمهای تلویزیونی، تولید فیلمهای سینمایی کاهش یافته به حدی که در ۳ سال گذشته مجموع فیلمهای تولیدشده در یونان بین ۱۵ تا ۲۰ فیلم بوده است. تولیدکننده اصلی فیلم در یونان، مرکز فیلمهای سینمایی است که در امر تولید فیلم با تهیه‌کنندگان و کارگردانان مشارکت می‌کند اما سودی که دریافت می‌کند حداکثر ۴۰ درصد است. از طرف دیگر ما مشکل تلویزیون داریم که سبب می‌شود سیاستهای صنعتی با بر علیه خود سینما وضع شود. سینما به آن میزان که باید در تولید فیلم با تلویزیون مشارکت ندارد، بنابراین علی‌رغم افزایش سالانه بودجه تولید فیلم، به دلیل اینکه ما قادر نیستیم ماده اولیه نگاتیو فیلمها را در داخل کشور تولید کنیم، هر ساله تعدادی از سینماها تعطیل می‌شود. و به سوپرمارکت با مراکز تجاری بدل می‌شود. اما در یک تحلیل جدی، مشکل سینمای یونان را نباید در نداشتن بازار فروش در خارج از کشور دانست، چون اگر ما قادر بودیم حتی در تلویزیونهای خارجی بازار فروش مناسبی به دست بیاوریم، بخش عمده‌ای از مشکلاتمان حل می‌شود، ولی به دلیل وجود زبان یونانی و فرهنگ و تمدن ملی خاص از پکسو، و رقابت موجود آمریکا در بازار سینما از سوی دیگر،

واقعاً شاهکار بوده‌اند.

● مثلاً چه فیلمهایی؟

○ فیلمهایی نظیر «خانه دوست کجاست؟»، «بایسپیکل‌ران» و «دوئده» که هیچگاه نمی‌شود آنها را به سادگی فراموش کرد. من فکر می‌کنم باشگاه سینمایی ما این فیلمها را بخرد و نگهداری کند. این فیلمها بخشی ارزنده از تاریخ سینما هستند. امیدوارم منظوم را بخوبی بیان کرده باشم.

● آگاهی ما از سینمای یونان چندان زیاد نیست که آن هم از طریق هنرمندانی مثل کوزگایانینس و ایزنه باباس به دست آمده، لطفاً بفرمایید در حال حاضر جدی‌ترین مشکل سینمای یونان را چه می‌دانید؟

○ مشکل ما این است که نیاز به سینما و فیلمسازی در کشور ما هنوز جدی گرفته نشده و



همان‌طور که عرض کردم، آنچه در فیلمهای شما کاملاً قابل تحسین است، برخورداری از ارزشهای خاص انسانی است که آنها را زنده نگه می‌دارد و از ارزشهای اخلاقی یک ملت محافظت می‌کند. به عبارت دیگر ما در جهان سوم از همه کشورها به الگوهای آمریکایی نزدیکتر هستیم و به همین علت این خصوصیت سینمای ایران در نظر ما اعتبار خاصی دارد. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که پس از تماشای چند فیلم ایرانی که در گذشته تهیه شده بود، دریافتیم سینمای ایران به لحاظ تکنیک، دارای ارزشهای قابل توجهی است، بازیها بسیار خوب است، و روش ناب و خالصانه‌ای... اگر بشود از این واژه‌ها استفاده کرد - در ساخت فیلمها به کار رفته است. کارگردانی فیلمها هم بسیار چشمگیر است. این ویژگیها در همان لحظات آغازین تماشای فیلم و در نخستین سکانسها به چشم می‌آید و مشخص می‌کند که این حاصل تلاش دسته جمعی تهیه‌کنندگان، کارگردانان، بازیگران و به طور کلی تمامی دست‌اندرکاران تهیه یک فیلم است که ایجاد یک چنین هماهنگی و همستگی میان این افراد، خود امری است بسیار دشوار که البته نتیجه آن هم فیلمی خواهد بود با کیفیت بسیار خوب و معیارهای در سطح جهانی. علاوه بر اینها، ارزشهای انسانی حاکم بر فیلمها سبب می‌شود که سینمای ایران در مجموع کاملاً مثبت و ارزشمند ارزیابی شود. این مطلب را هم بگویم که از سینمای شما فیلمهایی دیده‌ام که



متداول است. در این گونه کشورها، اگر تولیدکننده فیلم را بفروشد و سانسور هم متداول باشد، شاید بعضی از قسمتهای فیلم حذف شود، اما مثلاً در کانادا مسأله این طور نیست. این را هم بگویم که من شخصاً با هر نوع سانسوری مخالفم چون فکر می‌کنم اگر حاصل کار سناریست، کارگردان و بازیگران ارزشمند نباشد، خود تماشاگر آن را نمی‌کند و نمی‌پذیرد. باید برای تماشاگر و اعتقاداتش ارزش و احترام قائل بود. به نظر من وقتی فیلمی را سانسور می‌کنند معنایی غیر از این ندارد که مردم قدرت درک ندارند و باید شخصی که در جای پشت میز نشسته، برای آنها و به جای چشم و اندیشه آنها بیند و تصمیم بگیرد. من به طور جدی می‌گویم که سانسور به هر دلیلی که اعمال شود، باعث بروز احساسات منفی و مخالف بر علیه سانسورکنندگان می‌شود و در درازمدت نتایج ناخوشایندی به جا خواهد گذاشت.

● یک فیلم خارجی برای شرکت در جشنواره‌های سینمایی کشور شما باید ویژگی خاصی داشته باشد یا در این زمینه محدودیتی وجود ندارد؟

○ اجازه بدهید قبلاً این را بگویم که از اسامی یک بخش بین‌المللی برای رقابت همزمان در جشنواره سالونیکا وجود خواهد داشت. این جشنواره ۳۳ سال است که برگزار می‌شود. اما پاسخ سؤال شما: تا آنجا که من اطلاع دارم، تنها معیار شرکت در جشنواره‌های سینمایی کشور ما - چه برای فیلمهای خارجی و چه برای فیلمهای داخلی - این است که فیلم ارائه شده به جشنواره باید اولین یا دومین اثر کارگردانش باشد. البته ممکن است بتدریج با افزایش تقاضای شرکت فیلمها و با توجه به تجربیاتی که در طول زمان به دست می‌آید، کمیته‌ای از مدیران جشنواره‌ها تشکیل شود و موارد جدیدی را به تنها شرط قبلی بیفزایند و تصمیمات تازه‌ای بگیرند، اما تا امروز که این طور نشده است.

● به عنوان آخرین سؤال بفرمایید کدام فیلم جشنواره بیشتر مورد توجه شما قرار گرفت؟

○ به عقیده من بهترین فیلم این فستیوال «ترگس» بود. رابطه‌ای که میان ۳ شخصیت اصلی فیلم وجود داشت، بسیار جالب بود. فکر می‌کنم کارگردان با حساسیت زیادی به این ارتباط پرداخته بود و همین کمک زیادی به هنرپیشگان می‌کرد تا با قدرت و اطمینان با مسأله مواجه شوند. نکته مهم در فیلم این بود که حتی کاراکترهای منفی هم فاقد صفات انسانی نبودند. اصولاً ویژگی کارگردانه‌های زن این است که واقع‌بینانه‌تر از مردان با مسائل برخورد می‌کنند اما مردها رمانتیک‌تر و ایدئالیست‌تر هستند.

● از اینکه وقتان را در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم.

انحصار ایالات متحده آمریکا بود و ۳ کانال موجود آن، همه آمریکایی بودند، ولی از ۳ سال پیش به این طرف و مسیر تحولات سیاسی پیش آمده و تغییر ۲ کابینه دولت، تلویزیون ما تغییرات کفنی قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده. حالا با توجه به آنچه عرض کردم ملاحظه می‌کنید که تعقیب و توضیح و تبیین موقع تمام این تغییرات سریع تا چه اندازه مشکل است. لذا به اعتقاد من اگر فیلمهای بزرگ به بیان ارزشهای انسانی بپردازند، خیلی بهتر از این است که مسائل اجتماعی را مطرح کنند. به هر حال این روزها در تلویزیون ما نوعی بازگرددن مسائل شخصی پیش آمده و دلپیش هم این است که غالباً سناریست، تهیه‌کننده و کارگردان بکنفر است و این بازگویی بسیار شخصی‌تر و خصوصی‌تر از سینماست که ناگزیر در آن افراد متعددی دست‌اندرکار هستند.

● به نظر می‌رسد گاهی اوقات، فیلمهایی برای عرضه در جوامع مختلف - و طبعاً با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گوناگون - دستخوش باره‌ای تغییرات و به عبارت صریح‌تر سانسور می‌شوند [نظیر آنچه برای «سینما بارادیزو» پیش آمد] البته در اغلب اوقات نوعی توجیه هنری هم برای این کار وجود دارد. می‌استگاری مسئولین سینمایی کشور شما در مواردی از این قبیل چگونه است؟

○ به عقیده من علت سانسور بعضی فیلمها، وجود مدیریتهای مختلف دخیل در یک فیلم است، به این صورت که توزیع‌کننده در یک کشور نسخه اصلی را توزیع می‌کند، اما توزیع‌کننده دیگری در کشوری دیگر، نسخه‌ای متفاوت از فیلم را پر فروش تشخیص می‌دهد که در نهایت هیچ‌کدام هم ناشی از ارزیابی ارزشهای اجتماعی و سیاسی نیست، و من تصور نمی‌کنم حتی به دلیل اختلاف در مدیریت هم فیلم بزرگی را تاکنون تغییر داده باشند. البته کشورهایی هستند که سانسور فیلم در آنجا

نفوذ در بازارهای خارجی برای ما دشوار است. امروزه مشکل سینمای ما در واقع همان است که سینمای فرانسه، سوئیس و شاید آلمان هم با آن روبرو هستند.

● شرایط و تنگناهای اجتماعی در آثار سینمایی شما چه جایی دارد؟

○ به طور کلی تولید فیلم در یونان بسیار وقت‌گیر است، فرضاً اگر به مرکز سینمایی یونان بروید و درخواست مشارکت در تولید فیلم بدهید، مدت زیادی طول می‌کشد تا به شما جواب بدهند، بعد باید ساریو را تهیه کنید، هزینه تهیه فیلم را تأمین کنید، قراردادهای مختلف ببندید، و دهها مشکل دیگر. تازه از هنگام پرکردن درخواست - و نه از موقعی که به فکر تهیه فیلم افتاده‌اید - تا زمان پایان کار تهیه فیلم، زمانی حدود ۲ سال طول می‌کشد که البته این شکل عادی و طبیعی قضیه است چون مواردی هم پیش می‌آید که این فاصله زمانی به ۵ سال می‌رسد. بنابراین علی‌رغم آنکه مسائل اجتماعی و ارزیابی آنها در فیلمها مورد توجه است، اما به دلیل تغییر شرایط و مشکلات جامعه در طول زمان، وقتی فیلم به نمایش درمی‌آید، غالباً جذابیت خود را از دست داده است چون زمان طرح آن مسائل گذشته و طبعاً موضوعات ۵ سال قبل دیگر امروز نمی‌توانند توجه چندانی جلب کنند. البته این نکته را می‌پذیرم که فیلم می‌تواند به گونه‌ای ساخته شود که تاریخ مصرف معینی نداشته باشد نظیر فیلمهای تاریخی یا مستند، اما به هر حال دشواری بزرگی در کار ایجاد می‌کند و دقیقاً به همین دلیل است که من شخصاً تاکنون از مشارکت با مرکز سینمای - علی‌رغم نیاز شدید به کمکهای آن - اجتناب کرده‌ام. علت هم این است که جامعه ما اشکال کاملاً متفاوتی دارد و ارزشهای آن خیلی سریع تغییر می‌کند. به عنوان مثال تا ۳ سال پیش، تلویزیون ما مطلقاً در

